

## امنیت و رسانه؛ رویکرد فقهی - حقوقی

■ مهدی نوریان<sup>۱</sup>، روح‌الله آدینه<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش پیش‌رو بررسی امنیت در رسانه، به‌عنوان یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی انسان و امکان پاسخ‌گویی با استفاده از منابع اسلامی است. با توجه به نقش رسانه در قرن حاضر و اینکه رسانه‌ها از جمله ابزارهای مهم فراهم آوردن ارتباط بین انسان‌ها به شمار می‌روند، امنیت در حوزه رسانه از جایگاهی ویژه برخوردار است. پیش‌پنداره‌های قرآنی در همه زمانی - مکانی بودن شریعت اسلام مستلزم قابلیت پاسخ‌گویی منابع اسلامی در حوزه‌های نوین زندگی بشر است. بدین منظور، مقاله پیش‌رو با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن بررسی ابعاد امنیت رسانه در سه محور اساسی امنیت رسانه و اهالی و فعالان رسانه‌ای و امنیت در برابر رسانه، قابلیت پاسخ‌گویی منابع اسلامی در این سه بُعد را بررسی کرده است؛ بدین‌رو با تکیه بر ادله استنباط و با استناد به آرای فقهی، امنیت را حقی مشروع دانسته است که حاکمیت اسلامی موظف به برقراری آن در تمامی حوزه‌ها از جمله حوزه رسانه شده است. آن‌گاه با فرض وضعی بودن حق امنیت با بررسی تزامم امنیت در سه بعد رسانه و جامعه و اهالی رسانه، براساس ملاک ترجیحی به حل تزامم پرداخته شده است. در نهایت از طریق تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق و با استفاده از روش قیاس منطقی شکل اول و برهان خلف، قابلیت پاسخ‌گویی منابع حقوقی اسلام به ابعاد امنیت در محورهای سه‌گانه پیش‌گفته اثبات شده و آن‌گاه بر اساس نظریه‌های امنیت، آثار فقهی - حقوقی و رسانه‌ای پذیرش نظریه امنیتی راجح تبیین شده است.

### واژگان کلیدی

امنیت، تهدید، رسانه، فقه، منابع حقوقی.

## مقدمه

امنیت از جمله آرزوهای دیرین بشری است که نسل‌های گوناگون، در تمام عصرها، همواره در جست‌وجوی تحقق آن بوده‌اند. حوزه‌ای از فعالیت‌های بشری نیست مگر اینکه در آن امنیت، به‌عنوان رکن اصلی، ایفاکننده مهم‌ترین نقش است. با وجود این، آیا ممکن است مسئله امنیت با چنین درجه‌ای از اهمیت به‌عنوان حقی از حقوق اولیه انسان به رسمیت شناخته شود اما برای آن جایگاهی تضمین‌شده در نظام حقوقی اسلام وجود نداشته باشد؟ همچنین بر فرض پذیرش پاسخ‌گویی منابع حقوقی اسلام به نیاز یادشده، تحلیل امنیت در پژوهش حاضر براساس کدام یک از نظریه‌های امنیتی منطبق شده و اثر چنین انطباقی بر احکام فقهی - حقوقی و کنش‌های رسانه‌ای تابع نظام حقوقی اسلام چیست؟

وجود فراگیر نیروهای نظامی و انتظامی در تمامی جوامع بشری و همچنین نگاه به ساختار قضایی آنان و نوع تعریفی که از جرم و مجازات در هر نظام حقوقی صورت گرفته است بیانگر به رسمیت شناخته شدن حق امنیت به‌عنوان عنصری اساسی در نظام‌های اجتماعی است؛ بدین‌رو، «به‌ندرت کسی پیدا می‌شود که منکر اهمیت مسئله امنیت، خواه در سطح فردی یا ملی و بین‌المللی، در بین مسائلی که بشر با آن‌ها روبه‌رو است گردد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳).

عقل آدمی، فارغ از دیدگاه شرع مقدس اسلام، بر لزوم برخورداری انسان از حق امنیت تأکید دارد؛ سیره عقلاییه نیز بر لزوم وجود امنیت تأکید قطعی داشته و اساساً فلسفه تعریف قوانین جزایی و به رسمیت شناختن مجازات مجرمان از یک نگاه می‌تواند به جهت تأمین امنیت افراد در حیات فردی و اجتماعی‌شان باشد (امامی، ۱۳۶۰: ج ۴/۱۷۴). چنین نگاه فراگیری به حق برخورداری از امنیت احتمال پاسخ‌گویی آن را با توجه به مبادی تصدیقی موجود در قرآن و روایات مطرح می‌کند.

بررسی اثباتی این احتمال چه بسا موید چنین احتمالی باشد، اما تحلیل ثبوتی و وقوعی آن پایانی بر دامنه هر احتمالی خواهد بود، چرا که در بیان اندیشمندان بهترین دلیل وجود یک چیز واقع شدن آن است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۳ق: ج ۳/۲۹۱). بر این اساس، پژوهش پیش‌رو با عنوان «امنیت و رسانه؛ رویکرد فقهی - حقوقی»، ضمن پاسخ‌گویی به این پرسش، به بررسی آثار فقهی - حقوقی نظریه منتخب خویش در خصوص امنیت بر رسانه پرداخته است.

## مبانی نظری پژوهش

### مفهوم‌شناسی امنیت

امنیت در زبان فارسی به معنای ایمن شدن و در امان بودن است. حالت بدون ترس را در زبان فارسی امنیت می‌گویند (معین، ۱۳۸۱: ج ۱/۳۵۴). امنیت در زبان عربی از ریشه امن است؛ واسطی در تاج العروس امنیت را عدم انتظار حالت ناپسند در زمان پیش رو معرفی کرده و اصل آن را اطمینان خاطر و از بین رفتن ترس دانسته است (واسطی، ۱۴۱۴: ق: ج ۱۸/۲۳). آشوری در کتاب دانشنامه سیاسی امنیت را در لغت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله دانسته و می‌گوید: «امنیت در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۸). «در مجموع، توافق عمومی بر سر تعریف امنیت وجود ندارد، زیرا امنیت تحت تأثیر فاکتورهای متعدد در درجه‌های متفاوت قرار دارد: فاکتور نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی» (میرعرب و سجادی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). مقصود پژوهشگران از امنیت در این نوشتار همان معنای لغوی امنیت است که بر حالت بدون ترس و عدم انتظار حالت ناپسند در زمان پیش رو دلالت دارد.

### اقسام امنیت

امنیت، به‌عنوان یک موضوع قابل طبقه‌بندی، از وجوه مختلفی می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد. چنانچه امنیت را از نگاه جرم‌شناسانه مورد واکاوی قرار دهیم. فارغ از درستی و نادرستی چنین نگاهی. با توجه به اقسام جرایم مرتبط با آن، امنیت به امنیت داخلی و خارجی طبقه‌بندی می‌شود و چه بسا جرم‌هایی همچون محاربه، بغی، افساد فی الارض، خیانت به کشور، جاسوسی و... با نگاه به نوع نقض امنیت در نظر گرفته شده باشند و متناسب با هریک از آن‌ها مجازاتی در شرع و قانون تعریف شده باشد (ر.ک: میر محمد صادقی، ۱۳۹۵). همان‌طور که ممکن است، با توجه به حوزه‌های کارکردی امنیت، آن را به امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی و اخلاقی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت محیط‌زیست، امنیت سایبری و امنیت نظامی طبقه‌بندی کنند (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۷۱-۱۱۵؛ ماندل، ۱۳۷۷: ۱۶۳-۸۷).

مقسم دیگر در تحلیل امنیت، طبقه‌بندی آن به‌عنوان یک حق و از جهت ذی حقان، به امنیت فردی، گروهی و عمومی منقسم می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۷۴-۵۱). از نگاهی دیگر، امنیت به لحاظ نوع حق به امنیت فکری، جانی، مالی، خانوادگی و آبرویی؛ و به لحاظ محل حصول آن به امنیت شهری، ملی و بین‌المللی قابل طبقه‌بندی است. امنیت پژوهان، هریک، از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته و امنیت و مسائل آن را تحلیل کرده‌اند، اما

میرزای نایینی، به‌عنوان فقیهی جامع‌الاطراف، امنیت را به‌مثابه یک امر اولی مشترک میان انسان‌ها به امنیت جان، آبرو، مال و مسکن طبقه‌بندی کرده است (نایینی، ۱۴۲۴ ق: ۱۰۲). پذیرش حق بودن امنیت به معنای عام کلمه از طرف عقل و شرع به‌منزله پذیرش حق بودن تمامی شعب مختلف آن است، مگر موردی از این میان تخصیص خورده و از مجموعه حقوق امنیتی خارج شود. بنابراین، بررسی وضعیت امنیت در شریعت اسلامی تاحدودی می‌تواند روشن‌گر وضعیت شعبه‌های مختلف حقوق امنیتی بشر از زبان شرع اسلام به شمار آید؛ بدین جهت، بررسی این حق از دیدگاه اسلام هم از نظر موضوع پژوهش و هم از نظر تبیین اصل در امنیت ضروری است. باوجوداین، به دلیل تکیه مشروعیت حق امنیت بر سیره عقلاییه، بررسی آن در اندیشه فلسفی غرب خالی از لطف نخواهد بود. البته نه به این معنا که مقصود از سیره عقلاییه چنین باشد، بلکه به جهت تبیین مبنای بخشی از عقلای عالم بررسی می‌شود. بدین‌رو، ابتدا به بررسی اجمالی امنیت در نگاه فلسفه سیاسی غرب پرداخته‌ایم، آن‌گاه امنیت را از دیدگاه اسلام واکاوی کلی کرده‌ایم.

### امنیت و فلسفه سیاسی غرب

فیلسوفان سیاسی غرب مسئله امنیت را به‌عنوان یکی از موضوعات سیاسی بررسی و کنکاش کرده‌اند؛ افلاطون از جمله افرادی است که به این مسئله پرداخته است و امنیت در نگاه او بر انسان‌شناسی استوار شده است. افلاطون میان امنیت فردی و اجتماعی ارتباط برقرار کرده، امنیت جسمی افراد را مستلزم پروراندن تن آدمی دانسته، درحالی‌که برقراری آن در سطح جامعه را با تعریف «طبقه پاسداران» به وجود و آمادگی همیشگی آنان وابسته کرده است. او به شکلی امنیت را تعریف کرده است که گویی امنیت فرهنگی جامعه مستلزم نظارت دائم بر تمامی کنشگران فرهنگی است (طاهری، ۱۳۹۴: ۹۴-۹۱). این سخن اگرچه می‌تواند تاحدودی هرچند کوچک مورد توجه قرار گیرد، اما باید دانست که زیاده‌روی در این نوع نگاه نیز خالی از آسیب به عرصه فرهنگ نخواهد بود.

یکی دیگر از اندیشمندان غربی که به مسئله امنیت پرداخته‌ها باز است؛ وی فلسفه وجودی دولت را از بین بردن حالت جنگ و ترس و در واقع امنیت‌سازی دانسته و بر این باور است که اگر خود شخص حاکم یا سیستم حکمرانی او موجب ترس و ناامنی تابعان دولت شود، آن دولت دیگر قدرت اجبارکننده خویش را از دست داده و پیروان این حکومت الزام و تکلیفی به اطاعت و تمکین او ندارند (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). هابز با نگاهی مادی‌گرایانه به امنیت پرداخته است، بر این اساس، امنیت در فلسفه سیاسی او اساسی‌ترین فضیلت و ارزش اجتماعی است و سایر ارزش‌ها در رتبه بعد قرار دارند. آنچه از نظام سیاسی مطلوب در اندیشه هابز به دست می‌آید همگی بر دو پیش‌فرض شرارت و رضایت درمورد انسان مبتنی‌اند (طاهری، ۱۳۹۴: ۹۶).

کانت، یکی دیگر از فیلسوفان سیاسی غرب، با ارتقای سطح نگاه به امنیت از نگاهی صرفاً مادی به نگاهی اخلاقی، ضمن تألیف کتابی با عنوان صلح پایدار، دو رکن اساسی تأمین چنین صلحی را اخلاق و جمهوری معرفی کرده است. او، با طرح شش شرط اساسی تأمین صلح پایدار، سه رکن بنیادین را در تحقق صلح پایدار لازم دانسته است که عبارت‌اند از: قانون اساسی، شهروندی متکی بر ساختار سیاسی جمهوری، تأسیس فدراسیونی از دولت‌های آزاد و در نهایت حق جهان‌شهری در چارچوب میهمان‌نوازی جهانی (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵). در این خصوص، دیدگاه‌های دیگری از اندیشمندان غربی وجود دارد که بیان آن خارج از موضوع این پژوهش است. به‌رحال، چه امنیت را از نگاهی انسان‌شناختی بنگریم چه با نگاه مادی‌گرایانه، و چه اخلاق و پایداری صلح را مبنای برقراری امنیت تعریف کنیم، همگی دلیلی بر اشتراک اندیشه متفکران در خصوص ضرورت و نیاز بشر به امنیت و طبیعی بودن حق برخورداری او از امنیت است. این ضرورت در نوع نگاه به امنیت نیز قابل دریافت است، چرا که در نگاه امنیت‌پژوهان، علی‌رغم دیدگاه‌های مختلف، جملگی بر ضرورت وجودی امنیت اتفاق نظر دارند.

### نظریه‌های امنیت

بررسی ادبیات نظری امنیت گواه وجود تنوع نظریه در این خصوص است. آنچه از میان نظریات موجود می‌توان به‌عنوان یک تقسیم‌بندی کلی ارائه کرد تقسیم نظریه‌های امنیت به گرایش امنیت منفی و مثبت است. برخی صاحب‌نظران حوزه امنیت برای نظریه‌های امنیت چهار موج تعریف کرده‌اند که عبارت‌اند از: سنتی، فراسنتی، مدرن و فرامدرن (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۱). اگر تحلیل امنیت به نبود تهدید معنا شود، چنین نگاهی نگاه منفی به امنیت است و شامل نظریه‌های سنتی و فراسنتی می‌شود (مظاهری و اقارب‌پرست، ۱۳۸۹: ۷۱)، با این تفاوت که در نظریه سنتی امنیت به‌ویژه در نبود تهدید نظامی معنا می‌شود، اما در تحلیل فراسنتی از امنیت، نبود تهدید در ابعاد متعدد معنا می‌یابد. بدین رو، در دیدگاه فراسنتی امنیت، بحث تعدد ابعاد امنیت مطرح است (مظاهری و اقارب‌پرست، ۱۳۸۹: ۱۷). برای نمونه، ماندل در نظریه امنیتی خویش، با پذیرش ذوابعاد بودن امنیت، حلقه بیرونی نظریه خویش را حاوی چهار بُعد امنیتی (نظامی، اقتصادی، محیطی و سیاسی-فرهنگی) دانسته است (ماندل، ۱۳۷۷: ۷۱). اما در نگاه مثبت به امنیت که شامل نظریه‌های مدرن و فرامدرن است، امنیت به‌مثابه یک امر وجودی لحاظ شده و به‌عنوان یک عنصر مستقل تحلیل و بررسی می‌شود. نظریه امنیتی مدرن در پی امنیت اطمینان‌بخش است، در حالی که نظریه فرامدرن امنیت را برای همه و در سطح جهانی قابل تعریف دانسته و از آن به امنیت جهانی تعبیر می‌کند (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۶). در حقیقت،

تحول انسان و دستیابی اندیشمندان به مفهومی با عنوان انسان جدید آنان را در مسئله امنیت با نگاهی جدید مواجه کرد. دست یافتن نهایی نگاه مدرن به امنیت را می‌توان حاصل معادله قدرت - امنیت دانست، که ریشه در اندیشه‌های هابز و ماکیاول دارد (شاکری، ۱۳۸۵: ۷۴۱). بنابراین بازنگاهی به تمامی نظریه‌های امنیت نشان‌دهنده پذیرش ضرورت وجودی آن است، چرا که در تمام نظریه‌های مطرح شده، چه با نگاه منفی چه با نگاه اثباتی، امنیت امری ضروری تلقی شده که تأمین آن از جمله اهداف نظریه پردازان بوده است.

### اسلام و امنیت

شریعت اسلام نیز در جای جای منابع خویش، ضمن به رسمیت شناختن این حق طبیعی انسان، هم بر ضرورت آن تأکید کرده و امنیت را ضرورت زندگی جمعی او دانسته است، هم از امنیت به عنوان یکی از ارزش‌های جامعه انسانی یاد کرده است.

بازنگاهی به آیت قرآن کریم چنین می‌نمایاند که حق امنیت به دو گونه به عنوان حقی مشروع معرفی شده است. گروهی از آیات قرآن عمومیت امنیت را به عنوان آرزویی مشروع برای همه انسان‌ها می‌شمارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱/۴۵۲) و گروهی دیگر آن را به عنوان آرزوی انبیای عظام الهی بیان می‌کنند. مطابق دلالتی که از این آیات به دست می‌آید، نه تنها خداوند تحقق امنیت را به نیکان و شایستگان بشارت داده، بلکه وعده امنیت را به عنوان وعده‌ای عام نیز مطرح کرده است.

مثلاً در قرآن آمده است:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را، که برای آنان پسندیده، به سودشان استوار و محکم کند، و یقیناً ترس و بیمشان را به امنیت تبدیل کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق اند.»

مطابق متن آیه، خداوند به مؤمنانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده‌هایی می‌دهد، از جمله این وعده‌ها تبدیل وضعیت ایشان از حالت خوف به حالت امنیت است. برخی از مفسران مراد از امنیت را امنیت از دشمنان خارجی دانسته‌اند، حال آنکه علامه طباطبایی، با استناد به اطلاق کلام آیه، امنیت را از شمولیت زیادی برخوردار دانسته و می‌گوید:

«و مراد از تبدیل خوفشان به امنیت این است که امنیت و سلام بر مجتمع آنان سایه بپسند، به طوری که نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند، و نه از دشمنان

۱. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

خارجی، نه از دشمنی علنی، و نه پنهانی» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵/۲۱۵).

و برخی این آیه را مصداق وعده نصرت به حضرت حجت (عج) دانسته‌اند. عروسی در تفسیر نور الثقلین خود به این مطلب اشاره کرده است:

«این امنیت و تبدیل خوف به امن زمانی محقق خواهد شد که جز از اسلام نامی و از قرآن ظاهری نمانده باشد و حضرت حجت (عج) در این زمان به جهت وجود فتنه‌هایی که به ایشان سوء قصد می‌کند غایب است، تا جایی که دوست‌ترین افراد به ایشان دشمن‌ترین آنان به آن حضرت می‌شوند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ج ۳/۶۱۹).

چنین وعده‌دانی بدان معناست که تمام آرزوهای انبای بشر در وعده به امنیت گنجانده شده و این نشان از اهمیت و جایگاه وعده الهی است، پس چگونه ممکن است پروردگار به امری قبیح وعده کرده باشد و پاداش بندگان صالح خود را در امری نامشروع قرار داده باشد، حال آنکه حکمت الهی خلاف چنین چیزی را اقتضا کرده و ایشان نه تنها بندگان صالح خود را بلکه تمامی بندگان و مخلوقات را به ایمن‌گاه نهایی وعده داده است. بنابراین از تلازم حکمت الهی با فعل حکیمانه پروردگار نفی وعده ایشان به امر قبیح فهمیده می‌شود و با این بیان و از نگاه شریعت اسلامی، حق امنیت و برخورداری از آن امری مشروع به شمار می‌آید، هرچند این دلیل خود تأییدی بر سیره مستمر عقلای عالم که امنیت را حقی مشروع دانسته‌اند و درصد تأمین آن برآمده‌اند به حساب می‌آید. علاوه بر این، وجود روایات و توصیه‌های مختلف مبنی بر ارج نهادن به امنیت و برخورداری از آن به عنوان نعمتی از نعمت‌های الهی (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۴) دلیلی دیگر بر مشروعیت برخورداری از چنین حقی به شمار می‌آید.

بیان امیرالمؤمنین (ع) دلیلی صریح بر مشروعیت و تأییدی دیگر بر پذیرش سیره مستمر عقلاست. ایشان در بیان خویش به صراحت بر موضوع امنیت اشاره کرده و فرموده‌اند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۱۳۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). آن‌گونه که مفسران در تبیین این سخن آورده‌اند، مطابق این سخن اولاً امنیت از جمله انگیزه‌های برپایی حکومت در اسلام دانسته شده و ثانیاً نتیجه حتمی استواری حاکمیت بر دنیاگرایی فقدان امنیت حقیقی است (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰ ق: ج ۸/۲۵۷).

پذیرش عمومیت و اصالت چنین حقی در منابع اسلامی دلیل جنبه امکانی آن است، چرا که لازمه پذیرش مشروعیت یک حق بیان احکام مترتب بر آن است، در غیر این صورت، واقع خالی از حکم خواهد بود و چنین چیزی محال است که واقع خالی از حکم باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۱۳۳-۱۳۲؛ اعتمادی، ۱۳۸۷: ج ۲/۲۴۳) و چون امنیت حقی است که

ضرورت وجود آن ثابت شد، پس جنبه وجودی دارد و مورد نیاز بشر است، بدین جهت نمی‌تواند خالی از حکم باشد. بر این اساس، نفس پذیرش حق امنیت دلیل امکان بیان احکامی برای آن از سوی شرع مقدس است که اباحه عمل نیز از جمله آن‌ها به شمار می‌رود. اما پیش از پاسخ به جنبه وقوعی آن، بررسی موضوع امنیت به عنوان ضرورتی حرفه‌ای برای رسانه لازمی انکارناشدنی است، چرا که با اثبات ضروری بودن امنیت برای رسانه با همه ابعاد آن، هم امکان انتساب عموم پیش‌گفته به رسانه ثابت می‌شود، هم زمینه بررسی وقوعی آن فراهم می‌شود که در غیر این صورت بررسی موضوع از اساس جای درنگ خواهد داشت.

### امنیت؛ ضرورت حرفه‌ای رسانه و ابعاد آن

امنیت حوزه رسانه و ارتباطات از وجوه مختلفی برخوردار است و تمامی شقوق مختلف امنیت از جانی، مالی، آبرویی و اعتقادی و... در قیاس با رسانه به حصر عقلی و بر اساس برهان سبر و تقسیم به سه گروه قابل تقسیم‌بندی است، چرا که در اعتبار امنیت به لحاظ رسانه، یا امنیت خود رسانه مطرح است یا امنیت چیزی غیر از آن. اگر فرض اول مطرح باشد که تعبیر صحیح در این خصوص امنیت رسانه است و اگر امنیت فرض دوم موضوع بحث قرار گیرد، چنانچه امنیت با توجه به رسانه در نظر گرفته شود یا امنیت برابر رسانه است یا امنیت در رسانه، که مقصود از حالت نخست امنیت محیط عمل رسانه است، یعنی امنیت هر آنچه برابر رسانه قرار می‌گیرد، اعم از اینکه مخاطب قصد شده از سوی رسانه باشد یا نباشد؛ و مقصود از حالت دوم اهالی و فعالان رسانه هستند که اگرچه در رسانه‌اند اما بدان جهت که قابل انفکاک از آن هستند در شمار چیزی غیر از رسانه هستند. بنابراین اعتبار مفهوم امنیت با لحاظ رسانه از سه بُعد امنیت رسانه، امنیت اهالی و فعالان رسانه‌ای و امنیت در برابر رسانه برخوردار است که هر یک از این موارد می‌تواند دارای وجوه مختلفی از امنیت مالی، جانی، روانی و... باشد. توجه به مفهوم رسانه که یک شخصیت حقوقی است و از هویتی اعتباری برخوردار است ممکن است تداعی‌کننده عدم تعلق حق امنیت و عدم ارتباط آن با رسانه باشد. اما آن‌گونه که دکتر فخلعی و همکاران در پژوهش «تحلیل فقهی شخصیت حقوقی» آورده‌اند (فخلعی، حائری و قاسمی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳)، ثابت شده است که شخصیت حقوقی می‌تواند شرعاً متعلق حق و تکلیف قرار گیرد، هر چند این تعلق در فقه امری نسبی است و شامل تمامی حقوق و تکالیف نمی‌شود، اما اثبات کلیت تعلق حق موجب تعریف مبنای اصل تعلق حق امنیت می‌شود، مگر اقتضای آن به واسطه شخصیت حقوقی<sup>۲</sup> رسانه در نوع خاصی از امنیت میسر نباشد.

۱. اعتبار امنیت به شرط شیء

۲. مقصود از اعتبار، در اینجا، اعتبار به شرط شیء است، یعنی اعتبار امنیت به لحاظ رسانه که از سه وجه برخوردار خواهد شد: نفس رسانه؛ نیروی انسانی رسانه (در رسانه)؛ برابر رسانه (محیط حضور رسانه).



ویژگی‌های رسانه مقتضی بهره‌مندی آن از برخی وجوه امنیت و بیانگر امکان تعلق این حق به رسانه است. شاید اثبات امنیت اعتقادی در رسانه یا امنیت جانی در آن امری غریب به نظر می‌رسد، اما وجود امنیت مالی و وجاهت امری ضروری و انکارناشدنی است؛ زیرا اولاً رسانه، با بهره‌مندی از وجاهت رسانه‌ای خود، دامنه مخاطبان خویش را گسترش می‌دهد. بدین جهت آن‌گونه که اندیشمندان حوزه رسانه تصریح کرده‌اند، «یک ملاک مهم در ارزیابی موفقیت هر رسانه‌ای بررسی تعداد و میزان استفاده مخاطبان از آن رسانه و انگیزه یا تغییری است که در رفتار مخاطب به وجود می‌آورد. مخاطب یک فاکتور اساسی برای پایداری رسانه است و جلب مخاطب نیز یک مزیت رقابتی در بازار رسانه‌ای محسوب می‌شود» (روشندل اربطانی و زارع، ۱۳۹۸: ۲۲). اگر مخاطب از چنین نقشی در اعتبار رسانه برخوردار است، تحصیل وجاهت برای رسانه مستلزم عدم تهدید از این ناحیه است. به عبارت دیگر، بدان سبب که تهدید حیثیت رسانه موجب کاهش نفوذ کلام آن میان مخاطبان و سلب اعتماد مخاطبان به آن رسانه می‌شود، و از آنجا که اعتماد رسانه‌ای سرمایه اجتماعی یک رسانه است، برخورداری از اعتماد رسانه‌ای نیازی ضروری و انکارناشدنی برای آن به شمار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۲۹۷). هرچند کیفیت عملکرد رسانه نیز بر میزان مخاطبان او تأثیری مستقیم دارد (بیچرانلو، ۱۳۹۵: ۷۰)، اما این امر نافی جایگاه و اهمیت اعتماد رسانه‌ای مخاطبان و لزوم تأمین آن، که به امنیت آبرویی رسانه از آن تعبیر شد، نیست.

ثانیاً، ضرورت بهره‌مندی از امنیت مالی نیز از همین قرار است. بررسی وضعیت تأمین مالی رسانه‌ها بیانگر ضرورت ثبات و عدم تهدید به جهت امکان فعالیت در آینده آن‌هاست و این امر مثبت ضرورت وجود امنیت مالی رسانه است. جایگاه و تأثیر اقتصاد رسانه بر سوگیری آن و جریان‌سازی‌های ناشی از فعالیت‌های رسانه‌ای تا حدی است که برخی اندیشمندان را به رویکردهای انتقادی اقتصاد سیاسی رسانه‌ها واداشته است (معتدمنژاد، ۱۳۸۸: ۱۳۷) و نقش آن تا جایی است که برخی معتقدند: «بدون آگاهی به چگونگی توزیع منابع عظیم رسانه‌ای و صنایع اطلاعاتی و اینکه چه کسانی این جنبش پرتکاپو را کنترل می‌کنند نمی‌توان دریافت که چرا شکل و محتوای رسانه‌ها به گونه‌ای است که می‌بینیم» (محکی، ۱۳۸۰: ۹۳) بدین‌رو رفعت تهدیدها در زمینه منابع مالی یک رسانه، به جهت تأثیر آن بر امنیت شغلی فعالان رسانه‌ای و سوگیری آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فعالیت حرفه‌ای رسانه است، به نحوی که بی‌توجهی به آن می‌تواند موجب تهدید ثبات فعالیت‌های رسانه‌ای شود و این مهم بیانگر جایگاه نقش‌آفرین امنیت مالی در رسانه است.

وجه سوم از وجوه امنیت در رسانه امنیت جانی است، اگرچه رسانه به‌عنوان یک شخصیت حقوقی فاقد روح است و نمی‌تواند مصداق ذی‌حق امنیت جانی باشد، اما لحاظ نحوی از حیات در آن می‌تواند قرابت مفهومی فراوانی با امنیت جانی داشته باشد، که از

آن می‌توان به امنیت وجودی یا بقا تعبیر کرد. در حقیقت چنانچه امکان فعالیت رسانه و مدت حیات فعالیت آن در فضای فعالیت‌های رسانه‌ای روشن نباشد، اینکه اهالی رسانه تخمین دقیقی از میزان مدت حیات فعالیت خود نداشته باشند و هرآن بیان هرگونه نقدی را پایان بخش وجود رسانه خود فرض کنند، درواقع بیانگر شرایطی است که فعالان رسانه در آن شرایط از ترسی رنج می‌برند که این ترس هرگونه ابتکار عمل رسانه‌ای را از آنان سلب می‌کند. وجود چنین وضعیتی به منزله فقدان امنیت لازم جهت فعالیت رسانه‌ای به معنای حقیقی کلمه است و رسانه‌های فعال در وضعیت مذکور نقش آگاهی بخشی خود را، که به جهت ایفای آن ایجاد شده‌اند، نخواهند داشت، بدین رو، بهره‌مندی از امنیت در وجه سوم ضرورتی مضاعف دارد که می‌توان از آن تحت عنوان امنیت شغلی نیز نام برد.

فعالان حوزه رسانه و ارتباطات، چه به لحاظ تعلق وجودی‌شان به نوع بشر و چه به لحاظ تعلق حرفه‌ای، مشمول بهره‌مندی از حق امنیت در تمامی شعبه‌های مختلف آن هستند. توجه به نوع فعالیت حرفه‌ای ایشان لزوم تأمین حق مذکور برای این قشر را ضرورتی مضاعف می‌بخشد. نقد صاحب‌منصبان، نشر صادقانه اخبار، پرهیز از چالپوسی خبری و سایر ملزومات اخلاقی و حقوقی مرتبط با این حرفه ضرورت توجه به امنیت در تمامی شعب مختلف آن را برای اهالی رسانه و ارتباطات اقتضا دارد و آن‌گونه که برخی متخصصان رسانه به درستی مورد اشاره قرار داده‌اند، «نگاه امنیتی منفی می‌تواند موجب ناامن‌سازی حرفه رسانه شود» (مولانا، ۱۳۷۱: ۴۵).

گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز حاکی از کشته شدن بیش از ۷۳ نفر از فعالان رسانه در سال ۲۰۱۶ م است که مطابق این گزارش، شغل خبرنگاری در زمره مشاغل پرخطر قرار گرفته است (دویچه وله، ۲۰۱۶). توجه به بیان سالانه گزارشگران بدون مرز (RSF) (گزارشگران بدون مرز، ۲۰۱۷) نیز، بی‌آنکه قضاوت‌های آنان مورد تأیید یا رد قرار گیرد، صرفاً از جهت آمار می‌تواند قرینه دیگری بر جایگاه خطیر حرفه خبرنگاری و ضرورت امنیت حوزه رسانه تلقی شود. این‌گونه گزارش‌ها و قرار دادن این شغل در زمره مشاغل سخت تأییدی بر این ادعاست که جنس فعالیت در این حوزه با مخاطرات فراوانی مواجه است، به‌گونه‌ای که امنیت و تأمین شعبه‌های مختلف آن، برای تداوم فعالیت حرفه‌ای در این حوزه، امری ضروری و بخشی جدانشدنی از آن است.

بررسی‌های روان‌شناسی اجتماعی در زمینه نقش و قدرت رسانه‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های گروهی دارای چنان قدرتی هستند که می‌توانند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورند؛ نسلی که با نسل‌های پیشین از جهت فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌ها بسیار متفاوت است (کیا و نادرپور، ۱۳۹۲: ۷۶) و این نیست مگر رابطه دوسویه و تأثیر و تأثری که رسانه و جامعه نسبت به یکدیگر دارند؛ بدین رو نوع عملکرد رسانه در زمینه رویدادها و

حوادث اجتماعی می‌تواند بر امنیت جامعه و شهروندان نیز تأثیرگذار باشد (عبدالرحمانی و ایازگر، ۱۳۹۵)، چرا که نوع ارسال خبر، گزارش‌های رسانه‌ای، مقالات و یادداشت‌های تحلیلی، مستندهای تصویری، کلیپ‌های القای مفهوم، و در کل هر آنچه در عرف رسانه اعم از رسانه‌های جمعی<sup>۱</sup> و رسانه‌های اجتماعی<sup>۲</sup> از آن به تولید محتوای<sup>۳</sup> رسانه‌ای یاد می‌شود نقشی مهم در التهاب‌آفرینی یا ایجاد امنیت روانی جامعه دارند. به همین جهت، متخصصان رسانه با تکیه بر نظریه کاشت<sup>۴</sup> بر این باورند که «تصویر ذهنی ما را دنیای رسانه تعیین می‌کند و فهم ما از دنیای واقعی تحت تأثیر رسانه‌هاست» (کیا و نادریور، ۱۳۹۲: ۸۵). بنابراین احساس امنیت به‌عنوان نیاز اساسی بشر می‌تواند در برابر رسانه مورد آسیب یا حمایت قرار گیرد و این دلیلی بر ضرورت توجه به امنیت در بُعد سوم<sup>۵</sup> آن در حوزه رسانه است.

توضیحی که بر ضرورت امنیت در حوزه رسانه گذشت بیانگر وصفی بودن این ضرورت است، چرا که از نگاه مذکور، انفکاک ناپذیری امنیت از حرفه رسانه متبادر می‌شود و حقیقت سخن جز این نیست که سلب امنیت از رسانه در هر بُعد از ابعاد آن مانع از وجود و دوام عملیاتی رسانه خواهد بود و چون امنیت در شمار ذاتیات رسانه نیست و درعین حال وصفی همیشگی برای آن به شمار می‌رود، بنابراین از میان اقسام ضرورت‌ها، تنها می‌توان به ضرورت وصفی بودن امنیت برای حوزه رسانه باور داشت. این نوع ضرورت وصفیه برای موضوع، در اصطلاح علم منطق، مشروطه عامه نامیده می‌شود (مظفر، ۱۳۷۹: ۳۲۴).

تحلیل یادشده از امنیت در ابعاد مختلف رسانه نشان‌دهنده رویکرد این پژوهش به نظریه‌های امنیتی فراسننتی به موضوع امنیت در رسانه است و اگرچه فقدان تهدید را پایه اصلی تحلیل خود از امنیت قرار داده است، با وجود این، نگاه خویش را به ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امنیت معطوف داشته است. بدین رو، نتایج و آثار مورد بررسی چه از جهات فقهی - حقوقی و چه از جهات رسانه‌ای بر این اساس استوار بوده و تحلیل خواهند شد. هرچند ممکن است بر اساس منابع اسلامی، مبنای نظریه‌پردازی در حوزه امنیت را برخی نگاه مثبت به امنیت بدانند و بر این نوع نگاه اشکالاتی را وارد سازند، اما پرداختن به این موضوع و اشکال خارج از حوزه بررسی‌های این پژوهش بوده و فرصتی گسترده‌تر می‌طلبد. بنابراین، آنچه از مبنای تحلیلی پژوهش حاضر نسبت به امنیت می‌توان بیان کرد مبنای تعریف امنیت به‌عنوان نبود تهدید و با رویکرد فراسننتی به آن است که دربرگیرنده ابعاد مختلف امنیت می‌شود.

1. Mass Media
2. Social Media
3. Content
4. Cultivation Theory

## روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف تحقیقی کاربردی است، چرا که با توجه به لزوم انطباق قوانین موضوعه جمهوری اسلامی با شرع مقدس، نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در انتظام یافتگی حوزه رسانه و توجه به شاخص امنیت در تمامی ابعاد آن و در دو سطح سیاستگذاری قانونی و وضع قوانین مؤثر واقع شود. با تکیه بر این نگاه، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش اسنادی و رویکرد درون دینی استوار بر شیوه استنباط فقهی اصولیان امامیه به بررسی و تحلیل مسئله پرداخته است. بدین رو، پس از تبیین ادبیات نظری امنیت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام و اثبات مشروعیت آن به عنوان حقی عام، با استفاده از قیاس شکل اول و در برخی موارد تکیه بر برهان خلف، به اثبات امکانی و وقوعی قابلیت منابع حقوقی اسلام در پاسخ‌گویی به ابعاد امنیت رسانه پرداخته است.

## یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، امنیت ضرورت وصفی حوزه رسانه است، اما پیگیری آن به عنوان یک حق مستلزم تعریف جایگاه تأمینی حق امنیت است که تبیین این مفهوم در منابع حقوقی اسلام از جمله پاسخ‌های منابع حقوقی مذکور به ابعاد امنیت رسانه خواهد بود. بدین رو لازم است تا بر اساس منابع حقوقی اسلام، بررسی شود: اولاً چه کسانی موظف به تأمین امنیت رسانه‌اند و ثانیاً این تأمین مشتمل بر چه نوع احکامی است؟

## حاکمیت: تأمین‌کننده حق امنیت

پاسخ به پرسش نخست مستلزم لحاظ شأن حاکمیت ملی در امنیت است، چرا که امنیت حتی در حوزه فردی<sup>۱</sup> یا اجتماعی<sup>۲</sup>، که در آن‌ها مرجع امنیت چیزی غیر از حاکمیت است، نمی‌تواند فارغ از وجود دولت مستقر باشد. بدین رو برخی پژوهشگران به درستی ادعا کرده‌اند که «بین دولت و امنیت، چه به مفهوم ملی و چه به مفهوم فردی، ارتباط وثیقی وجود دارد» (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۴) و از آنجا که تمامی ابعاد امنیت در محیط ملی جزء لاینفک محیط ملی است، جزئی از امنیت ملی نیز به شمار آمده است. مطابق قاعده منطقی که اوصاف جزء نمی‌تواند منافی اوصاف کل باشد (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۷۲)، هیچ‌یک از ابعاد امنیت در محیط ملی نمی‌تواند نافی وصف تأمین‌کنندگی امنیت توسط حاکمیت باشد. بنابراین امنیت، به عنوان امری که در تمامی شئون جامعه اسلامی دخالت موضوعی و موردی دارد، به سبب پیامدهای ناشی از تحقق یا عدم تحقق آن نمی‌تواند منحصرأ موضوع عمل گروه یا فرد خاصی

1. Individual Security

2. Social Security

از شهروندان جامعه قرار گیرد و ضروری است که یا حاکمیت اسلامی تأمین‌کننده انحصاری آن باشد یا به تفویض آن از سوی دیگران اقدام کرده باشد، ضمن اینکه ماهیت امنیت مستلزم اقداماتی است که با حریم خصوصی شهروندان تداخل خواهد داشت و این تداخل تالی فاسد ورود شهروندان عادی در چنین موضوعاتی را بیش از منافع محتمل الاستیفای آن می‌کند. بدین رو بنا بر ضرورت عقلی، تأمین‌کننده انحصاری امنیت در جامعه اسلامی حاکمیت یا تفویض‌شدگان از سوی وی هستند.

استناد به قاعده تسلیط و جریان آن در حقوق شهروندان (نجفی، ۱۴۰۴، ق: ج ۲۵ / ۲۲۸)، به این بیان که افراد را نسبت به تصرفات ملازم با امنیت فردی به عنوان حقی از حقوق اختیار داده است، نمی‌تواند نقش حاکمیت در تأمین امنیت را نفی کند، زیرا اولاً تأمین امنیت در اکثر وجوه مختلف آن، حتی در حوزه امنیت فردی یا امنیت انسانی که افراد نقش اصلی را ایفا می‌کنند، مستلزم برخورد قضایی با متجاوزان به حقوق، رفتارهای تأمیینی چون حراست عمومی و نظارت بر منظر عمومی، و قضاوت و رفع تنازع میان موارد تداخلی حقوق با یکدیگر است که مطابق اسناد دینی و آرای فقهی تمامی این موارد در محدوده اختیارات حکومت اسلامی است و شرع مقدس هیچ‌گونه سلطه‌ای در آن برای عموم شهروندان قرار نداده است (ر.ک: مؤمن قمی، ۱۴۲۵، ق: ج ۱ / ۴۳۲-۴۳۱) و اگرچه تدبیر و عمل فردی نقشی تأثیرگذار دارد، اما تدابیر فردی نیز خواه ناخواه از سیاست‌گذاری‌های عمومی حاکمیت و محیط ملی تأثیرپذیر خواهند بود.

ثانیاً تفویض این امر به شهروندان و انجام بی‌ضابطه آن توسط ایشان مستلزم ترجیح بلامرجح برخی بردیگری است، چرا که فرض مسئله خارج از دو حالت نخواهد بود؛ یا همگان مشمول تفویض‌اند یا برخی. لکن فرض اول، به دلیل عدم صلاحیت همگانی، محال است و فرض دوم نیز مستلزم ترجیح برخی بردیگری است که یا دارای مرجح است، پس ضابطه‌مند است و بحثی در جواز آن نیست، زیرا بر اساس قانون تفویض شده است؛ و یا بدون مرجح است که چنین ترجیحی، هم به حکم قبح ترجیح بدون وجه رجحان (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵، ق: ۱۱۶) که از بدیهیات عقلی و اصلی مسلم نزد اندیشمندان اسلامی است، باطل است و هم به حکم قرآن، که رعایت عدالت را دستور داده<sup>۱</sup> (نحل: ۱۶: ۹۰)، ممنوع است.

ثالثاً به بیان امیرالمؤمنین (ع)، این تأمین از جمله وظایف و اهداف حاکمیت اسلامی دانسته شده است (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ق، خطبه ۱۳۱؛ هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ق: ج ۸ / ۲۵۷) و از آنجاکه تأمین آن در حوزه عمومی مستلزم تالی فاسد دانسته شد، تفویض آن به غیر از امام مسلمین دلیل خاص می‌طلبد که فقدان آن به منزله عدم تفویض خواهد بود. البته باید توجه داشت که این نگاه هیچ‌گونه منافاتی با مبنای تأمین امنیت مردم نهاد ندارد، بدین رو

۱. إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يُعْطِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

نباید با نگاهی تقابلی میان مسئولیت اصلی تأمین و شیوه‌های تأمین اختلاط معنایی و کارکردی ایجاد کرد و از آنجا که تفویض بدون نظارت حاکمیت مستلزم تالی فاسد و برخی وجوه دخالت در امر شهروندی است، حکومت اسلامی مبنای تأمین امنیت در تمامی شاخه‌های آن است و از نگاه شرع مقدس اسلام، حاکمیت موظف به تأمین، حراست و پاسداشت این حق مسلم شهروندان به صورت عام دانسته شده است و این عموم دربرگیرنده حوزه‌های مختلف، از جمله حوزه رسانه به خصوص، محل بحث می‌شود، اگرچه این امر منافاتی با جواز اقدامات فردی در حوزه شخصی و تلاش‌های تیرعی شهروندان در حوزه عمومی (مشروط به تفویض حاکمیت و تا زمانی که مستلزم ورود به حریم شخصی دیگران و آسیب‌رسانی به آن نباشد) نخواهد داشت.

### ماهیت فقهی امنیت رسانه و ابعاد حکم در آن

ضرورت وصفی امنیت حوزه رسانه، از یک سو، و نقش کارکردی آن، از سوی دیگر، مستلزم تبیین احکام مختلفی است که اکتفا کردن به اثبات تعلق حق در پژوهش ابعاد امنیت رسانه را ناکافی می‌کند و از آنجا که تبیین تمامی احکام وضعی، تکلیفی مترتب بر امنیت رسانه نیز مجالی فراخ می‌طلبد، بدین جهت ضمن تبیین ماهیت فقهی امنیت رسانه، از طریق بررسی فرض تضاد میان ابعاد سه‌گانه امنیت رسانه به شکلی هرچند کلی، احکام وضعی، تکلیفی مترتب بر این مسئله نیز به نوعی پی گرفته خواهد شد. البته فهم این نکته خالی از لطف نخواهد بود که تبیین احکام مذکور اثبات جنبه وقوعی فرضیه پژوهش است.

مطابق بیان ابتدایی، امنیت یک حق است و بدان جهت که حق از جمله احکام وضعی است (خیمینی، ۱۴۲۱ ق: ۳۹)، حق امنیت حکمی وضعی به شمار می‌رود که از جهت آثار، احکام وضعی یا تکلیفی دیگری می‌تواند بر آن مترتب شود و چنانچه هریک از این احکام با استیفای حق امنیت در تضاد قرار گیرد، از آنجا که با تحصیل حقی مشروع و حکمی وضعی در مقام امتثال تضاد می‌یابد، مسئله از باب تراحم امر قابل بررسی خواهد بود، زیرا تنافی میان دو حکم در مقام امتثال است (صدر، ۱۴۱۷ ق: ج ۲۶/۷) و در چنین مواردی ملاک عمل رجوع به مرجحات باب تراحمی است که در کتب اصولی به صورت مفصل مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک: حکیم، ۱۴۲۹ ق: ۱۳۶-۱۳۴). بنابراین و با توجه به مصلحت یادشده، به بررسی تراحم امنیت میان ابعاد سه‌گانه رسانه اکتفا می‌شود.

شایان ذکر است مسئله تراحم در اینجا به حصر عقلی از سه فرض برخوردار است که عبارت‌اند از: تضاد امنیت جامعه با امنیت رسانه؛ تضاد امنیت جامعه با امنیت اهالی رسانه؛ و درنهایت، تضاد امنیت رسانه به‌عنوان شخصیتی حقوقی با امنیت اهالی رسانه به‌عنوان اشخاص حقیقی که در حوزه رسانه فعالیت دارند. از میان این سه فرض، از آنجا که مبنای

مسئله در تضاد فرض اول و دوم یکی است، فرض مسئله نخست عبارت از تضاد امنیت جامعه با امنیت رسانه و اهالی آن بوده و دوم عبارت از تضاد امنیت رسانه با امنیت اهالی رسانه خواهد بود.

توجه به ماهیت رسانه و نقش و تأثیر آن در جامعه و همچنین مرجح اصلی تزامم که ملاک اهمیت است (ر.ک: حکیم، ۱۴۲۹ ق: ۱۳۶-۱۳۵) تا حدودی روشن‌کننده وضعیت تزامم احکام در امنیت رسانه خواهد بود، چرا که با توجه به آیه ۱۰ سوره صف<sup>۱</sup> که بیانگر غایت‌گرایی در نظام فکری اسلام است و در این چارچوب فکری، تحصیل رستگاری در اجتماع و با ارتباط میان بندگان صالح بر محور ولایت اعلام شده است<sup>۲</sup>، در صورت هرگونه تنافی میان مصلحت جمعی و مصلحت فردی، حکم به تقدم مصلحت جمعی داده شده است (شیرازی، ۱۴۲۸ ق: ج ۲/۳۹۷) و شریعت اسلام همواره میان تزامم حقوق، ضمن حکم به جبران حقوق فردی، حقوق اجتماعی را بر حقوق فردی مقدم دانسته و امام مسلمین را بر این تقدم مختار کرده است (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ج ۱۱/۲۶۲). حتی در نگاه برخی فقیهان، جلوگیری از اختلال نظام و حفظ مصالح جامعه مبنای حکم (طبسی، بی تا: ۲۱۵) یا، در نگاه برخی دیگر، علت برای احکام معرفی شده است (شیرازی، ۱۴۲۸ ق: ۳۹۷). بنابراین در صورت تزامم میان امنیت جامعه با امنیت رسانه و اهالی، امنیت جامعه بر امنیت رسانه و اهالی مقدم شده و نسبت به عملکرد آن ایجاد مضیقه مجاز خواهد بود. اما از آنجاکه تزامم امنیت شخص حقوقی و شخص حقیقی فاقد مرجح کلی است، بررسی آن به حسب مورد و مسئله خاص خواهد بود، بنابراین نمی‌توان همچون تزامم امنیت جامعه با امنیت رسانه و اهالی آن، حکم کلی دارای مخصص بیان کرد.

پذیرش ملاک اهمیت در ترجیح امنیت جامعه بر امنیت رسانه و اهالی آن بر هر مصداقی از مصداقی که مترتب باشد، نمی‌توان رویکرد مجرمانه رسانه و اهالی آن را منشأ تضاد امنیت به شمار آورد، چرا که در این‌گونه موارد، مجازات متناسب با جرم شامل ایشان شده و اساساً تزامم مورد نظر اصولی‌ها منتفی است، زیرا هرچند اصل مشروعیت و تعلق حق امنیت پذیرفته شده است، اما دلیل مخصص نیز بر عمومیت تعلق حق وجود دارد، که از جمله آن‌ها مواردی است که فردی به واسطه سوء عملکرد خویش موجب سلب امنیت از دیگران شده باشد که در این‌گونه موارد برخی مجازات‌ها حاکی از جواز سلب امنیت از مجرم است. برای نمونه، در قرآن کریم از جرایم سلب امنیت روانی تحت عنوان ارجاف یاد شده و دستور شدیدترین برخوردها داده شده است: «اگر منافقان و بیمار دلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (صف ۶۱: ۱۰).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران ۳: ۲۰۰).

کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید!».۱ مطابق استناد برخی فقها، آیه مذکور مجازات متناسب با سلب امنیت روانی جامعه را بیان کرده است؛ ایشان بر این باورند که «در آیات قرآن ظرایفی است که در باب احکام به آن توجه نمی‌شود، در حالی که از آیات قرآن می‌توان استفاده کرد و شاید به جهت وجود روایات متعدد از آیات غفلت شده است، مثلاً قرآن در مورد «مرجفون» می‌فرماید «قُلُّوا تَقْتِيلًا» که می‌توان از آن حدّ کذب را در مورد این افراد، که امنیت جامعه را به هم می‌زنند، استفاده کرد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق: ج ۶/۴۹). حکم به انحلال شخص حقوقی مطابق با ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup> یا حکم به لغو پروانه نشریه مطابق با مواد ۲۷، ۲۸ و ۳۲ قانون مطبوعات<sup>۳</sup> در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا قابل تفسیر است، چرا که نفی موجودیت در شخص حقوقی نازل به منزله سلب امنیت جانی در شخص حقیقی دانسته شده، لذا انحلال شخص حقوقی و لغو پروانه نشر از مطبوعات بر همین مبنا قابل تفسیر است.

### بحث و بررسی

بر اساس یافته‌های تحقیق، امنیت رسانه با تمامی ابعاد آن مسئله‌ای فقهی - حقوقی است، چرا که حکم امنیت در تمامی ابعاد آن حکمی وضعی دانسته شد و اینکه می‌گوییم فلان مطلب یا عنوان یک مسئله فقهی است، منظور این است که در دانش فقه قابل طرح است و از عوارض ذاتی موضوع آن دانش به شمار می‌آید<sup>۴</sup> (خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۲۰-۱۹). بنابراین، از آنجاکه نسبت بین موضوع هر علم و موضوعات مسائل هر علم همان نسبتی است که بین افراد یک کلی طبیعی با کلی طبیعی وجود دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ج ۱/۲۱) و از آنجاکه موضوع فقه، فعل مکلف (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ق: ۴۲۶) و موضوعات خارجی از حیث ثبوت

۱. لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَكُفْرَتِكُمْ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُحَاجِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْذُوا وَقِيلُوا تُقْتَلُونَ (احزاب ۶۱: ۶۰).

۲. «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

۳. ماده ۲۷ - هرگاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد. تبصره - رسیدگی به جرائم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. ماده ۲۸ - انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود. ماده ۳۲ - هر کس در نشریه‌ای خود را، برخلاف واقع، صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمت‌های مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود.

۴. آن موضوع کل علم و هو الذی یبحث فیہ عن عوارضه الذاتیه ای بلا بواسطه فی العروض هو نفس موضوعات مسائله عینا و ما یتحد معها خارجا و إن کان یغایرها مفهوما تغاییر الکلی و مصادیقہ و الطبیعی و أفرادہ.



حکمی از احکام شرعی برای آن است (فیض، ۱۳۸۵: ۱۰۷). بنابراین، مسئله ابعاد امنیت رسانه مسئله‌ای فقهی-حقوقی به شمار می‌رود.

پذیرش این گزاره که مسئله ابعاد امنیت رسانه مسئله‌ای حقوقی است صغرای قیاسی را تشکیل می‌دهد که بر اساس کبرای قابلیت پاسخ‌گویی مسائل حقوقی در منابع حقوقی اسلام، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مسئله ابعاد امنیت رسانه قابل پاسخ‌گویی در منابع حقوقی اسلام است و این همان فرضیه‌ای است که پژوهش حاضر از جهت امکانی و وقوعی درصدد بررسی آن است. اکنون با توجه به قیاس:

- **صغری:** مسئله امنیت ابعاد مختلف رسانه مسئله حقوقی است؛

- **کبری:** مسئله حقوقی قابل پاسخ‌گویی در منابع حقوقی اسلام است؛

- **نتیجه:** مسئله امنیت ابعاد مختلف رسانه قابل پاسخ‌گویی در منابع حقوقی اسلام است.

و با تکیه بر داده‌های پیش‌گفته، امنیت رسانه در منابع حقوقی اسلام بررسی می‌شود، زیرا از طرفی، کبرای استدلال در پژوهش‌هایی غیر از پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته و ثابت شده است (نوریان، ۱۳۹۵: ۶۹-۶۵) و از سوی دیگر، صغرای آن نیز پیش از این ثابت شده است. بنابراین با اثبات این گزاره به‌عنوان نتیجه قیاس مذکور، علاوه بر استنتاج منطقی ناشی از قیاس شکل اول، پاسخ‌گویی منابع حقوقی اسلام به مسئله امنیت ابعاد رسانه نیز ثابت خواهد شد.

### امنیت رسانه و نظریه امنیتی راجح

مطابق کبرای قیاس اثبات منبع حقوق بودن فقه و ادله استنباط آن، تنها اثبات جنبه امکانی فرض پژوهش است، زیرا با اثبات منبع حقوق بودن فقه، مسئله حقوقی نیز برای پاسخ ناچار به رجوع به فقه و ادله استنباطی آن خواهد بود، مگر در امور عرفی که با تفویض شارع به عرف محول شده است و مطابق یافته‌های پژوهش مشخص شد که مسئله امنیت رسانه یک مسئله حقوقی است و از شاخص‌های مسئله فقهی-حقوقی بودن برخوردار است، اما بررسی یافته‌های پژوهش و مبانی نظری آن گواه تحقق خارجی پاسخ‌گویی منابع اسلام به مسئله ابعاد امنیت رسانه است.

اینکه امنیت، در نگاه ادله استنباط فقه، حق مشروع و عامی به شمار آمد و اینکه شخصیت حقوقی، از نگاه منابع اسلام، قابل تعلق حق و تکلیف دانسته شد نخستین دلیل بر پاسخ‌گویی منابع اسلامی به ابعاد امنیت رسانه است. تعیین کیفیت تأمین امنیت در حوزه رسانه و حکم به وجوب آن، با تکیه بر منابع استنباط، دلیل دیگر بر تحقق این پاسخ‌گویی است. همچنین بررسی فرض تراحم امنیت در دو احتمال تراحم امنیت جامعه با امنیت رسانه و اهالی آن و تراحم امنیت رسانه با امنیت اهالی آن، که به

نحوی موجز تبیین شد، نیز دلیل سوم بر پاسخ‌گویی منابع اسلامی به ابعاد امنیت رسانه است. اکنون آثار فقهی، حقوقی و رسانه‌ای نظریه امنیت راجح (امنیت بر اساس تحلیل فراسنتی نبود تهدید)، که پیش از این بر امنیت ابعاد سه‌گانه رسانه تطبیق داده شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که خود دلیل چهارم بر پاسخ‌گویی منابع اسلامی به مسئله امنیت در ابعاد رسانه است.

### اثر فقهی، حقوقی و رسانه‌ای نظریه راجح

مطابق نگاه پژوهش حاضر به امنیت، که آن را نبود تهدید در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به‌عنوان حقی تضمین‌شده در نظر گرفته است، ایجادکننده تهدید سلب‌کننده حق شناخته می‌شود که بر این اساس، مشمول قواعد مسئولیت مدنی خواهد بود و این بارزترین اثر فقهی، حقوقی نظریه امنیت راجح در این پژوهش است. همچنین جریان اصل عدم تهدید را می‌توان اثر رسانه‌ای نظریه امنیت راجح در این پژوهش دانست.

بر این اساس، چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از حاکمیت سیاسی که در ارکان سه‌گانه حاکمیت تجلی می‌کنند و غیر از ایشان به نحوی از انحاء تهدیدکننده بعدی از ابعاد امنیتی رسانه باشند، رسانه می‌تواند مطابق آن نسبت به مطالبه حقوق ضایع شده خویش اقدام کرده و درخواست الزام به جبران خسارت کند. بنابراین، هرگونه اقدامی که به ایراد ضرر به امنیت مالی رسانه یا به سلب اعتماد رسانه‌ای از مجموعه‌ای رسانه‌ای منجر شود یا آنکه تداوم کنش رسانه‌ای را با مانعی اساسی مواجه کند مصداق سلب حق است و موجب مسئولیت مدنی در برابر رسانه و اهالی آن خواهد بود و شمول ادله مسئولیت مدنی (ر.ک: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶) دربرگیرنده آن خواهند بود.

متقابلاً چنانچه عملکرد رسانه‌ای به ایجاد تهدید و سلب حق امنیت از اشخاص حقیقی یا حقوقی یا کلیت جامعه منجر شود، نسبت به این اقدام خویش مسئولیت داشته و ملزم به جبران آن خواهد بود. مطابق چنین تعریف مسئولیتی است که قانون رسانه‌های گروهی را ملزم به باز نشر پاسخ افرادی دانسته است که به نوعی از ایشان به نشر اطلاعاتی اقدام کرده‌اند<sup>۱</sup> (ماده ۲۳ قانون مطبوعات). همچنین طبق بند ۱۱ ماده ۶ این قانون، مطبوعات از پخش شایعه و نشر اکاذیب منع شده‌اند و بر اساس ماده ۳۰ قانون مذکور، مسئولیت کیفری برای منتشرکننده در نظر گرفته شده است و بر این

۱. ماده ۲۳ - هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد. و نشریه مزبور موظف است آن گونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و یا همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

اساس، مدیر مسئول آن نشریه ملزم به پاسخ‌گویی است. آنچه در این خصوص جای تعجب دارد سکوتی است که قانون‌گذار نسبت به حق امنیت رسانه در وضع قانون‌های مرتبط با این حوزه اختیار کرده و تصریحی است که نسبت به مسئولیت‌های رسانه‌ها در این خصوص کرده است. حال آنکه اصل عدالت مقتضی لحاظی یکسان در این خصوص است و چه بسا چنین ناهمگونی‌ای در وضع قانون اسباب تفاسیری شده است که نتیجه اولیه آن سلب انگیزه از فعالان رسانه‌ای است.

علاوه بر آثار فقهی، حقوقی مذکور، پذیرش نوع نگاه امنیتی این پژوهش بر کنش رسانه‌ای نیز اثرگذار خواهد بود. بر این اساس و با جریان اصل عدم در حوزه تهدیدهای امنیتی، آنچه قابل اتکا خواهد بود جواز عام کنش رسانه‌ای و آزادی فعالان فضای مجازی در حوزه اطلاع‌رسانی و ارتباطات رسانه‌ای خواهد بود و تردید در وجود تهدید ناشی از کنشگر رسانه‌ای به منزله تجویز کنش رسانه‌ای برای او خواهد بود. البته با یقینی بودن تهدید ناشی از رسانه، با توجه به مرجوح بودن امنیت رسانه نسبت به امنیت عمومی، ضابطان قضایی، به عنوان تأمین‌کنندگان امنیت، مجاز به منع تداوم کنش توسط رسانه و فعالان رسانه‌ای خواهند بود و در این نظر، تفاوتی میان رسانه‌های مجازی و فعالان شبکه‌های مجازی با کنشگران رسانه‌های مکتوب، همچون روزنامه‌های در حال انتشار، نیست.

### بحث نتیجه‌گیری :

اکنون پس از تأیید مشروعیت عمومی حق امنیت رسانه و مسئولیت تضمین آن از سوی حاکمیت اسلامی و تقدم جانب حق جامعه اسلامی بر حق فردی در تراحم حقوق، می‌توان چنین گفت:

از آنجاکه مسئله امنیت در ابعاد رسانه مسئله حقوقی است و چون مسئله حقوقی قابل پاسخ‌گویی در منابع حقوقی اسلام است، بدین‌رو مسئله امنیت در ابعاد رسانه قابل پاسخ‌گویی در منابع حقوقی اسلام است و نه تنها منابع استنباط احکام قابلیت پاسخ‌گویی اسلام به نیازهای حقوقی معاصر بشر را به اثبات رسانده است، بلکه به عنوان مصداق وقوعی با استناد به برخی ادله، حاکمیت اسلامی را موظف به برقراری امنیت رسانه و اهالی و فعالان رسانه‌ای آن کرده است، هر چند در صورت تراحم میان امنیت جامعه با امنیت رسانه و اهالی آن حکم به تقدم حقوق جمعی بر حقوق فردی نیز داده است. البته با توجه به نظریه امنیتی منتخب در این پژوهش،

اولاً: همان‌گونه که تهدید امنیت عمومی مانع تداوم فعالیت رسانه و موجب مسئولیت آن خواهد بود، تهدید امنیت رسانه نیز موجب مسئولیت عامل تهدید است و حق مطالبه

جبران خسارت برای رسانه در این خصوص و به نحوی متقابل محفوظ خواهد بود و هرچند حقوق موضوعه ایران در این خصوص سکوت اختیار کرده است، اما با استناد به ادله شرعی و آرای فقهی، مسئولیت در برابر رسانه امری پذیرفته شده به حساب می‌آید. ثانیاً: بدان جهت که بر اساس نظریه منتخب، امنیت به منزله نبود تهدید در تمامی ابعاد آن تعریف شد، با جریان اصل عدم تهدید، اصل بر جواز جریان رسانه‌ای است و در این خصوص تفاوتی میان حوزه رسانه‌های مجازی و مطبوعاتی نیست.

### پیشنهادها:

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود:

اولاً: هرچند ضرورت‌های ساختار حقوق موضوعه و ضمانت‌های اجرایی آن مانع بی‌توجهی به مسئولیت‌های کیفی در این حوزه می‌شود، اما در اصلاح قوانین مرتبط با فعالان رسانه‌ای، نگاه مسئولیت مدنی، به عنوان نگاهی غالب، جایگزین نگاه مسئولیت کیفی شود و اصل بر نگاه حقوقی استوار شود تا نگاه کیفی.

ثانیاً: نسبت به جریان اصل عدم تهدید نسبت به فعالیت‌های رسانه‌ای اهتمام و توجه بیشتری شود.

ثالثاً: حق امنیت برای رسانه‌ها به عنوان حقی عام و مشروع مورد تصریح قرار گیرد و بر این اساس، در نظام تعریف مسئولیت، توازن میان رسانه و محیط پیرامونی آن برقرار باشد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹ ق). **کفایه الاصول**، چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.

آشوری، داریوش (بی‌تا). **دانشنامه سیاسی**، چاپ سوم، تهران: نشر مروارید.

آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، چاپ نخست، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). **شرح آقاجمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۳). **قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی**، چاپ ششم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ ق). **عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة**، چاپ نخست، قم: دار سید الشهداء للنشر.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). **الخصال**، جلد اول، چاپ نخست، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۱). **تحف العقول**، ترجمه بهزاد جعفری، چاپ نخست، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

اعتمادی، مصطفی (۱۳۸۷). **شرح الرسائل**، جلد دوم، چاپ دوم، قم: نشر شفق.

افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۴). «سیر تحول مطالعات استراتژیک، روندهای جهانی و تجارب ایرانی در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران)، چاپ نخست، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

امامی، سید حسن (۱۳۶۰). **حقوق مدنی**، جلد چهارم، تهران: گنج دانش.

بروجردی طباطبایی، آقاحسین (۱۴۲۹ ق). **منابع فقه شیعه**، ترجمه مهدی حسینیان قمی، چاپ نخست، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها، هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ نخست، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۵). «مهم‌ترین روش‌های جذب مخاطب در سه شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای سرگرمی‌محور»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، شماره ۶: ۹۰-۵۷.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.

جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ ق). **رسائل فقهی**، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۶). «بررسی و تبیین مقوله صلح در نظریه مدینه المسالمة (شهر صلح) فارابی و نظریه صلح پایدار کانت»، *جستارهای سیاسی معاصر*، شماره ۳: ۲۸-۱. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). *مسئولیت مدنی در فقه امامیه: مبانی و ساختار*، چاپ نخست، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حکیم، محمدتقی بن محمدسعید (۱۴۲۹ ق). *القواعد العامة في الفقه المقارن*، چاپ نخست، تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامیة. حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ ق). *کنزالعرفان في فقه القرآن*، چاپ نخست، قم: انتشارات مرتضوی.

خمینی، سید روح‌الله الموسوی (۱۴۲۱ ق). *کتاب البيع*، جلد یکم، چاپ نخست، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره. روشندل اربطانی، طاهر و زارع، مهسا (۱۳۹۸). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اذیت مخاطبان تلویزیون جمهوری اسلامی ایران»، *رسانه*، شماره ۱۱۴: ۳۸-۲۱.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی نوین ارتباطات*، چاپ نخست، تهران: اطلاعات. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۳ ق). *الالهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*، جلد سوم، چاپ سوم، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة. شاکری، رضا (۱۳۸۵). «قدرت به‌مثابه امنیت؛ بازخوانی نظریه سیاسی مدرن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۴: ۷۳۷-۷۵۸.

شریف‌الرضی، سیدمحمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه*، چاپ نخست، قم: مؤسسه دارالهجره. شیرازی، سید محمد (۱۴۲۸ ق). *من فقه الزهراء علیها السلام*، جلد دوم، چاپ نخست، قم: رشید. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ ق). *بحوث في علم الاصول*، جلد هفتم، چاپ سوم، قم: مؤسسه فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام. طاهری، مهدی (۱۳۹۴). «اکاوی رابطه انسان‌شناسی و امنیت در فلسفه سیاسی»، *معرفت سیاسی*، شماره ۱: ۱۰۶-۸۷.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ ش). *الميزان في تفسير القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طیبسی، نجم‌الدین (بی‌تا). *موارد السجن في النصوص و الفتاوى*، چاپ نخست، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عبدالرحمانی، رضا و حسین ایازگر (۱۳۹۵). «تأثیر رسانه‌های جمعی در وقوع و گسترش نزاع‌های فردی»، *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*، شماره ۴: ۷۹-۵۳.

عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). *نور الثقلین*، جلد سوم، چاپ چهارم، قم:

انتشارات اسماعیلیان.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵). **ایضاح الکفایه**، جلد یکم، چاپ پنجم، قم: نوح.

فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). **کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، جلد یازدهم، چاپ نخست، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فخلعی، محمدتقی؛ محمدحسین حائری و محمدعلی قاسمی (۱۳۹۴). «تحلیل فقهی شخصیت حقوقی»، **آموزه‌های فقه مدنی**، شماره ۹: ۳۰-۳.

فیض، علیرضا (۱۳۸۵). **مبادی فقه و اصول مشتمل بر بخشی از مسائل آن دو علم**، چاپ نوزدهم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷). **چهره متغیر امنیت**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ نخست، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محکی، علی اصغر (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی: اقتصاد سیاسی رسانه‌ها»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۴۶: ۹۰-۱۰۹.

مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۱۵ق). **القصاص علی ضوء القرآن و السنة**، چاپ نخست، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قدس سره.

مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). **فرهنگ‌نامه اصول فقه**، چاپ نخست، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). **مجموعه آثار**، چاپ نخست، تهران: انتشارات صدرا.

مظاهری، محمد مهدی و محمد رضا اقارب‌پرست (۱۳۸۹). «تطور تاریخی الگوهای امنیت پژوهی از گفتمان سنتی تا فرامدرن»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۵: ۸۸-۶۵.

مظفر، محمد رضا (۱۳۷۹). **المنطق**، قم: انتشارات دارالعلم.

معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۸). **ارتباطات در جهان معاصر**، چاپ نخست، تهران: شهر.

معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ معین**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا، کتاب راه نو.

مک کین لای، رابرت و ریچارد لیتل (۱۳۸۰). **امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها**، چاپ نخست، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). **تفسیر نمونه**، جلد یکم، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). **کتاب النکاح**، جلد ششم، چاپ نخست، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). **دایرة المعارف فقه مقارن**، چاپ نخست، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). **مبانی فقهی حکومت اسلامی**، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، چاپ نخست، قم: مؤسسه کیهان.

مولانا، حمید (۱۳۷۱). **زبان بین‌المللی اطلاعات گزارش و تحلیل جهانی**، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مؤمن قمی، محمد (۱۴۲۵). **الولاية الالهية الاسلامية او الحكومة الاسلامية**، چاپ نخست، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). **حقوق کیفری اختصاصی**، جلد سوم، چاپ سی‌وسوم، تهران: نشر میزان.

میرعرب، مهرداد و سیدعبدالقیوم سجادی (۱۳۷۹) «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۹: ۱۴۲-۱۳۳.

نایینی، میرزا محمدحسین غروی (۱۴۲۴ ق). **تنبيه الأمة و تنزيه الملة**، چاپ نخست، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد بیست و پنجم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۴۰۵ ق). **تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل**، چاپ دوم، بیروت: دارالأضواء.

نوریان، مهدی (۱۳۹۵). **ابعاد فقهی توسعه فرهنگی** (رساله دکتری)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

واسطی، محب‌الدین زبیدی حنفی (۱۴۱۴ ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، جلد هیجدهم، چاپ نخست، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق). **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه**، جلد هشتم، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلام.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۸). «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۴: ۳۶-۵.

#### سایت‌های اینترنتی

گزارشگران بدون مرز (۲۰۱۷، دسامبر ۱۹). **بیان خشونت علیه روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۱۷**. بازیابی از گزارشگران بدون مرز در دفاع از آزادی اطلاع‌رسانی، برگرفته از: [rsf-persan.org](http://rsf-persan.org)